

نقش دانشگاه در توسعه کارآفرینی

دکتر بدیع الزمان مکی آل آقا *

چکیده: هدف از این پژوهش یافتن پاسخ این سؤال است که عوامل گسترش و ترویج کارآفرینی در دانشگاه چیست؟ در این راستا شناسایی موانع و عوامل توسعه و گسترش کارآفرینی در دانشگاه مدنظر است و در نهایت راهکارهای عملی به منظور ارتقا و توسعه کارآفرینی در بین دانش آموختگان دانشگاه ارائه می‌گردد. در این پژوهش جامعه آماری، کلیه اعضای هیأت علمی در واحدهای مختلف دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۸ است. برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه، و به روش تصادفی چند مرحله‌ای ۶۰۰ نفر از اساتید به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از پرسش‌نامه‌ای مشتمل بر ۲۰ سؤال استفاده شد که بر اساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت تنظیم شده و به منظور روایی و پایایی آن از نظر متخصصان و همچنین محاسبه ضریب آلفای کرونباخ که شاخص همگونی درونی پرسش‌ها است (۰/۷۹) استفاده شد. به جهت تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی (مجازور کای) به منظور مقایسه نظرات اساتید استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که: ایجاد تفکر کارآفرینی در میان دانش آموختگان دانشگاه در توسعه کارآفرینی مؤثر است. همچنین آموزش‌های تخصصی و کاربردی در زمینه کارآفرینی و در توسعه آن تأثیر زیاد دارد. این پژوهش نشان داد که معرفی فرصت‌های کارآفرینی در دانشگاه در ایجاد تسهیلات برای توسعه قابلیت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی بسیار مؤثر است. یافته دیگر پژوهش حاکی از آن است که آموزش‌های رایج دانشگاهی به میزان کمی قادر به تقویت انگیزه کارآفرینی و آمادگی برای احراز شغل و حرفه معین می‌شوند. نهایت آنکه توسعه کارآفرینی در میان دانشجویان بستگی زیادی به توسعه و ارتقای رفتار کارآفرینانه افراد، از طریق ترویج، آموزش، حمایت و شناخت مستعدان کارآفرینی دارد. واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، توسعه، نقش دانشگاه، عوامل و موانع توسعه.

مقدمه

افزایش جمعیت در کشورهای در حال رشد، به کاهش منابع و امکانات موجود و پیدایش نیازهای اجتماعی و اقتصادی جدید در این کشورها منجر شده که همگی توجه نهادها و مقامات مسئول را به این نیازها و چاره‌اندیشی بنیادین یا مقطعی به خود معطوف داشته است.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن DR_L_macki@yahoo.com

بنابه بررسی‌های انجام شده و براساس آمارهای موجود یکی از مهم‌ترین مشکلات فراروی جوامع در حال توسعه و حتی کشورهای صنعتی مشکل بیکاری است. مجموعه راه‌حلهایی که برای رفع این مشکل جهانی ارائه شده است، اصطلاحاً «کارآفرینی» خوانده می‌شود.

قرن بیست و یکم به‌عنوان قرن دانش معرفی شده است. در این عصر، سرمایه اصلی جوامع، دانش، مهارت و نگرش منابع انسانی آنها است. برای اینکه این سرمایه در خدمت سعادت جامعه باشد به قابلیت‌های کارآفرینی نیاز است. در حال حاضر توسعه کارآفرینی هسته برنامه‌های توسعه کشورها است. از این رو، سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های کارآفرینی منابع انسانی جایگاه ویژه‌ای دارد. انتظار می‌رود دانشگاه‌ها در توسعه قابلیت‌های کارآفرینی، نقش محوری ایفا نمایند. به‌طور کلی از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود که یک جریان نوآوری در کشور ایجاد کنند و قابلیت‌های کارآفرینی مورد نیاز جامعه را فراهم نمایند. همچنین دانشگاه می‌تواند قابلیت‌های کارآفرینی شامل دانش، مهارت و نگرش کارآفرینی را در دانش‌آموختگان ایجاد کند و دانش‌آموختگان به‌عنوان عاملان تغییر اجتماعی، این قابلیت‌ها را در جامعه ترویج دهند. امروزه، کارآفرینی دانشگاهی یک آرمان پیشرفته و جذاب برای آموزش عالی است. در دنیای رقابتی آینده، دانشگاه‌ها برای حفظ بقای خود راهی جز حرکت به سمت کارآفرینی دانشگاه ندارند. برای رسیدن به این منظور باید تغییراتی در فرآیندهای آموزشی و پژوهشی، ساختار، فرهنگ و شیوه و محتوای تعامل دانشگاه‌ها با بنگاه‌ها و دولت ایجاد شود.

انتظارات جدید از دانشگاه‌ها ایجاب می‌کند که دانشگاه‌ها در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور نقش محوری ایفا نمایند. تحقق این خواسته از طریق تحول دانشگاه سنتی که وظیفه خود را تحقیق و تدریس می‌دانست به دانشگاه کارآفرین امکان‌پذیر است. دانشگاه‌ها و سایر نهادهای تولیدکننده دانش به‌عنوان نیروی محرکه رشد اقتصادی در آینده، نقش‌های بیشتر و مستقیم‌تری به عهده می‌گیرند.

در توسعه کارآفرینی آموزش در کنار عوامل تسهیل‌کننده دیگر مانند قوانین و دستورات، مکانیزم‌های حمایتی، فرهنگ سازی و ... جایگاهی منحصر به فرد و انکارناپذیر دارد. پیتر دراگر^۱ ۱۹۸۵ معتقد است؛ کارآفرین کسی است که فعالیت‌های اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌نماید. کارآفرینان افرادی هستند که نوآوری می‌کنند، فرصت‌های تجاری را شناسایی و خلق می‌نمایند و ترکیبات جدیدی از منابع را ارائه می‌دهند. پیتر دراگر عقیده دارد

1- Drucker, P

که سازمان‌های کنونی، خصوصی، انتفاعی عمومی یا غیر انتفاعی چنانچه مایل باشند فلسفه کارآفرینی را به کار گیرند، ناگزیر هستند شیوه مدیریتی خود را تغییر دهند.

تحقیقات نشان می‌دهد که با افزایش آموزش، مهارت‌های تخصصی، بهره‌وری و کارایی - که از اصول اساسی توانمندی شغلی و کارآفرینی به حساب می‌آیند - افزایش می‌یابند. در یک مطالعه پیمایشی توسط لوک هد^۱ (۱۹۸۰) که با مرور یافته‌های هیجده تحقیق انجام شده، در کشورهای کم درآمد نشان داد که یک کشاورز آگاه و آشنا با نحوه کار و اصول مربوط بین ۱۱ تا ۱۳ درصد بیش از یک کشاورز کم اطلاع تولید داشته است. مطالعه مشابهی توسط ادامس^۲ (۱۹۹۲) انجام شده، این پژوهش در کره جنوبی، مالزی، تایلند، هند، بنگلادش و آمریکای لاتین انجام شده است، یافته‌های کلی این مطالعات حاکی از آن است که آموزش ارتباط مستقیمی با توانمندی شغلی و تولیدی دارد (لوی^۳، ۱۹۹۹). تحقیقی که توسط سازمان جهانی کار در (۱۹۹۷) انجام گرفت نشان داد که ایجاد مستقیم شغل، سرمایه‌گذاری چندان موفق نبوده زیرا این موضوع نه تنها سبب می‌شود مهارت‌های شغلی کمتر مورد توجه قرار گیرد، همچنین انگیزه استفاده از فرصت‌های بعدی اشتغال را نیز تضعیف می‌کند.

در بررسی اسنل^۴ (۲۰۰۳) عنوان شد؛ هنگامی که مدیران مراکز آموزشی کارآفرین باشند مراکز اصلاح می‌گردد، همچنین با استناد به پژوهش همه ساله هزاران نفر از افرادی که فارغ التحصیل می‌شوند فاقد مهارت لازم برای ورود به بازار کار هستند. باید توجه داشت که اهداف افراد از شرکت در دوره تحصیلی و نوع نیازهای مهارتی و علمی آنها می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین آموزش یادگیری شامل کسب دانش و درک مفاهیم مدیریت اقتصادی مثل: چگونگی یافتن فرصت‌ها و چگونگی کسب منابع، کسب مهارت در استفاده از فنون مدیریتی مانند توانایی تحلیل یک موقعیت اقتصادی و ترکیب یک طرح عملیاتی و تعیین و تقویت ظرفیت، استعداد و مهارت‌های کارآفرینی است (وسپر^۵، ۱۹۸۰). در جهت ایجاد توانمندی و رهبری کارآفرینی چاپرا^۶ (۲۰۰۵) چنین عنوان نمود که؛ رهبر کارآفرین کسی است که ایده‌ای دارد و آن را به واقعیت تبدیل می‌کند. در این فرایند او تعدادی از افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد که نه تنها در منابع آنها شریک شده، بلکه چیزهایی را همراه با آنها تولید می‌کند و این در کارایی و کارآمدی افراد مؤثر است (ایران نژاد، ۱۳۷۹). یکی از وظایف استادان ایجاد انگیزه در دانشجویان است به

1- Look Head

4- Snell, L.

2- Adamse

5- Vesper,K.

3- Levie. J.

6- Chapra

گونه‌ای که عملکرد آنها به بالاترین سطح ممکن برسد. بدین معنی که سخت‌تر تلاش کنند، به‌طور منظم در محل درس حاضر شوند و برای عملی شدن هدف‌ها و تصمیم‌های کلاس کوشش کنند (مورهد، ترجمه الوانی، ۱۳۷۷).

در تحقیقی که لوی (۱۹۹۹) انجام داد چنین عنوان کرد که آموزش‌های تخصصی کارآفرینی مهارت را در دانشجویان افزایش می‌دهند و برای توسعه کارآفرینی اگر برای افراد با انگیزه شرایط مهیا باشد و آنها فرصت‌ها و امکانات مورد نیاز را به‌دست آورند می‌توانند کارآفرین شوند و ثمرات مطلوبی را برای سازمان به دنبال داشته باشند (کاندل^۱، ۲۰۰۳).

سلطانی باراندوزی در پژوهشی (۱۳۸۰) با عنوان «بررسی چگونگی بقای فرهنگ کارآفرینی در صنایع فلزی» به این نتیجه رسید که به‌منظور بقای فرهنگ کارآفرینی در سازمان‌ها، فاکتورهای اصلی و اساسی که باید مورد توجه مدیران و مسئولان سازمان باشد، عوامل انگیزش و آموزش است. مسئولان باید جهت بقا و استقرار فرهنگ کارآفرینی در جامعه و جاری ساختن ایده‌های جدید در جهت تربیت افراد کارآفرین برنامه‌ریزی کنند. جهانگیری (۱۳۸۲) در تحقیق خود به نام «تبیین الگوی کارآفرینی در سازمان‌های دولتی» به این نتیجه رسید که تبیین الگوی کارآفرینی زمینه مناسبی است در جهت حمایت از افراد خلاق و کارآفرین در سازمان‌ها. کردستانی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت کارآفرینی در مدارس متوسطه و ارائه مدلی برای پرورش مدیران کارآفرین در آموزش و پرورش» به این نتیجه رسید که ایجاد فرهنگ کارآفرینی، از خانواده و سپس از مدرسه شروع می‌شود. در تحقیق احمد پوردریانی (۱۳۸۴) به نام «طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت» بیان شده که کارآفرین موتور محرک توسعه اقتصادی است و عامل اصلی خلاقیت، نوآوری و ابتکار است.

روش پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش، روش تحقیق، توصیفی از نوع زمینه‌یابی است.

ابزار پژوهش

به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه محقق ساخته، حاوی ۲۰ سؤال پنج گزینه‌ای استفاده گردید که براساس مقیاس لیکرت تنظیم شده است. به‌منظور روایی پرسش‌نامه از نظر اساتید و

متخصصین در تدوین آن استفاده گردیده است و برای پایایی با آزمون روی نمونه کوچک و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بدست آمده (۰/۷۹) مشخص شد که پرسشنامه از همسانی درونی مطلوب برخوردار است. در نهایت پرسشنامه روی ۶۰۰ نفر از اساتید گروه نمونه اجرا شد.

جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه متشکل از همه اعضای هیأت علمی واحدهای دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۸ است که در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ در واحدهای متبوع مشغول به خدمت بوده‌اند.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

با استفاده از فرمول حجم نمونه $n_p = \frac{z_{\alpha}^2 \times pq}{d^2}$ حداقل نمونه ۶۰۰ نفر در نظر گرفته شد که

با توجه به آمار، این تعداد شامل ۳۰۵ استاد (مرد) و ۲۹۵ استاد (زن) می‌شود.

ابتدا از بین کلیه واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۸ پنج واحد دانشگاهی به صورت تصادفی انتخاب گردید. در مرحله بعد در هر واحد به تناسب تعداد هیأت علمی، تعداد معینی از آزمودنی‌ها انتخاب شد و پرسشنامه‌ها به وسیله آنان تکمیل گردید.

یافته‌ها

برای آزمون هر یک از سؤالات پژوهش از آزمون مجذور کای در سطح اطمینان ۹۹٪ یا احتمال خطا پذیری ۰/۰۱ استفاده گردیده است.

سؤال شماره ۱: ایجاد تفکر کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان دانشگاه تا چه میزان در توسعه کارآفرینی مؤثر است؟

جدول ۱: توزیع پاسخ‌های اساتید در رابطه با سؤال شماره ۱

شاخص	گزینه‌ها			
	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم
	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
اساتید(مرد)	۲۳/۶	۳۴۰	۲۴۲	۱۱۹
اساتید(زن)	۲۸/۵۴	۲۱۹	۲۷/۲۹	۸۹

$$df = 4 \quad \alpha = 0/01 \quad \chi^2 = 34/66$$

چون مقدار χ^2 محاسبه شده در سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ از مقدار χ^2 جدول^۱ بزرگتر است لذا فرض صفر رد می‌شود. به عبارتی توزیع نظرات اساتید دو گروه در مورد سؤال شماره یک تحقیق مشابه نیست. با عنایت به محتوای جدول می‌توان استنباط نمود که ایجاد تفکر کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان دانشگاه در توسعه کارآفرینی تأثیر زیاد دارد و از نظر اساتید (زن) نسبت به اساتید (مرد) این تأثیر زیادتر عنوان شده است.

سؤال شماره ۲: تا چه میزان آموزش‌های تخصصی و کاربردی در زمینه کارآفرینی در توسعه آن مؤثر است؟

جدول ۲: توزیع پاسخ‌های اساتید در رابطه با سؤال شماره ۲

شاخص	گزینه‌ها			
	خیلی زیاد	زیاد	کم	خیلی کم
	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی
اساتید(مرد)	۳۱۶	۳۲۱	۲۵۱	۱۸۳
اساتید(زن)	۲۱۷	۳۵۴	۳۲۹	۱۵۵

$$df = 4$$

$$\alpha = 0/01$$

$$\chi^2 = 33/38$$

چون مقدار χ^2 محاسبه شده در سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ از مقدار χ^2 جدول بزرگتر است، لذا فرض صفر رد می‌شود، به عبارتی توزیع نظرات اساتید دو گروه در مورد سؤال شماره ۲ تحقیق مشابه نیست، و به عنایت به محتوای جدول می‌توان استنباط نمود که آموزش‌های تخصصی و کاربردی در زمینه کارآفرینی در توسعه آن مؤثر است و این میزان از نظر اساتید (مرد) نسبت به اساتید (زن) زیادتر است.

سؤال شماره ۳: معرفی فرصت‌های کارآفرینی در دانشگاه تا چه میزان در توسعه کارآفرینی مؤثر است؟

۱- مقدار χ^2 جدول در سطح خطاپذیری ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ برابر با ۱۳/۲۸ است.

جدول ۳: توزیع پاسخ‌های اساتید در رابطه با سؤال شماره ۳

شاخص	گزینه‌ها									
	خیلی زیاد		زیاد		کم		خیلی کم		اصلاً	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اساتید(مرد)	۱۳	۳۷۵	۴۰/۴۲	۲۴۲	۲۳/۴۳	۱۴۱	۱۴/۳۱	۱۰۴	۸/۸۱	
اساتید(زن)	۲۴/۸۱	۳۴۵	۳۴/۰۶	۲۰۵	۲۳/۳۷	۲۲۱	۱۱/۰۶	۱۰۷	۶/۶۸	

$$df = 4 \quad \alpha = 0/01 \quad \chi^2 = 12/41$$

چون مقدار χ^2 محاسبه شده در سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ از مقدار χ^2 جدول^۱ کوچکتر است لذا فرض صفر رد نمی‌شود. به عبارت دیگر توزیع نظرات اساتید زن و مرد در مورد سؤال شماره ۳ تحقیق مشابه است. با عنایت به محتوای جدول می‌توان استنباط نمود که از نظر هر دو گروه اساتید (زن و مرد) معرفی فرصت‌های کارآفرینی در دانشگاه، در توسعه کارآفرینی تأثیر زیاد دارد.

سؤال شماره ۴: تقویت تشکل‌های دانشجویان کارآفرین تا چه میزان در توسعه کارآفرینی مؤثر است؟

جدول ۴: توزیع پاسخ‌های اساتید در رابطه با سؤال شماره ۴

شاخص	گزینه‌ها									
	خیلی زیاد		زیاد		کم		خیلی کم		اصلاً	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اساتید(مرد)	۲۴	۴۵۳	۳۷/۲	۲۶۲	۲۱/۴	۱۰۶	۸/۸	۱۰۵	۸/۶	
اساتید(زن)	۲۴	۴۰۸	۳۴/۶	۲۶۸	۲۲/۷	۱۱۰	۷/۸	۱۰۲	۳/۹	

$$df = 4 \quad \alpha = 0/01 \quad \chi^2 = 8/94$$

چون مقدار χ^2 محاسبه شده در سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ از مقدار χ^2 جدول کوچکتر است، لذا فرض صفر رد نمی‌شود. به عبارت دیگر توزیع نظرات اساتید دو گروه در مورد سؤال شماره ۴ تحقیق مشابه است. با عنایت به محتوای جدول می‌توان ملاحظه نمود که هر دو گروه اساتید (زن و مرد) تأثیر تقویت تشکل‌های دانشجویان کارآفرین را در توسعه کارآفرینی به میزان زیاد عنوان نموده‌اند.

۱- مقدار χ^2 جدول در سطح خطاپذیری ۰/۰۱ و با درجه آزادی ۴ برابر با ۱۳/۲۸ است.

بحث و نتیجه‌گیری

- یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش حاکی از آن است که ایجاد تفکر کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان دانشگاه در توسعه کارآفرینی مؤثر است. براساس نظرات اساتید در دو گروه نمونه مورد بررسی (با سطح احتمال خطاپذیری ۰/۰۱ و درجه آزادی ۴ مجذور کای محاسبه شده $\chi^2 = 15/44$)، تغییر فرهنگ اعضای دانشگاه و ترویج فرهنگ کارآفرینی بر توسعه کارآفرینی تأثیر زیادی دارد. همچنین اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌دهد که محتوا و شیوه‌های تدریس براساس تفکر کارآفرینی تنظیم نشده و یا اینکه این میزان کم می‌باشد.

- در مورد دومین سؤال پژوهش، نتایج حاکی از آن است که آموزش‌های تخصصی و کاربردی در زمینه کارآفرینی در توسعه آن تأثیر زیاد دارد. در این رابطه بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از دو گروه نمونه مورد بررسی با محاسبه $\chi^2 = 22/65$ و با $\alpha = 0/01$ مشخص شد که ایجاد شبکه عرضه خدمات مشاوره و آموزش‌های فنی و مدیریتی در توسعه کارآفرینی تأثیر زیاد دارد. اما بررسی نظرات اساتید دو گروه با محاسبه $\chi^2 = 39/8$ و $\alpha = 0/01$ با $df = 4$ نشان داد که آموزش کارآفرینی توسط مربیانی که دارای تجربه کسب و کار هستند به جای اساتید دانشگاه تأثیر کم بر توسعه کارآفرینی دارد. لذا چنانچه اساتید با تفکر کارآفرینی آموزش دهند تأثیر مثبت خواهد داشت. در این زمینه پژوهش کوراتکو^۱ (۲۰۰۳) نیز نشان می‌دهد که برنامه‌های افزایش دهنده آگاهی و دانش و گرایش به سوی کارآفرینی در توسعه آن مؤثر است. همچنین لوی^۲ (۱۹۹۹) در تحقیق خود چنین عنوان نمود که آموزش‌های تخصصی، کارآفرینی مهارت را در دانشجویان افزایش می‌دهد و نگاه مثبتی به آن وجود دارد.

- یافته‌های مربوط به سومین سؤال پژوهش نشان می‌دهد که معرفی فرصت‌های کارآفرینی در دانشگاه در توسعه کارآفرینی تأثیر دارد. با بررسی نظرات اساتید دو گروه نمونه و محاسبه $\chi^2 = 14/44$ و $\alpha = 0/01$ با $df = 4$ ملاحظه می‌شود که تأثیر برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای کارآفرینی در ایجاد فرصت‌های کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان زیاد است. در این مورد سلیت^۳ (۲۰۰۱) نیز چنین عنوان نموده است که بررسی و تعیین مهم‌ترین و فوری‌ترین نیازهای اقتصادی و تولیدی جامعه و به‌کارگیری روش‌های مؤثر آموزشی در برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز از وظایف دانشگاه مبتنی بر کارآفرینی است.

1- Kuratko, D.

2- Levie, J.

3- Cliatt, k.

کاندل^۱ (۲۰۰۳) نیز چنین مطرح کرده است که، اگر برای افراد با انگیزه شرایط مهیا باشد و آنها فرصت‌ها و امکانات مورد نیاز را به دست آورند، می‌توانند کارآفرین شوند و ثمرات مطلوبی را برای سازمان به دنبال داشته باشند.

- یافته‌های مربوط به سؤال چهارم پژوهش حاکی از این است که تقویت تشکل‌های دانشجویان کارآفرین در توسعه کارآفرینی تأثیر زیاد دارد. بررسی نظرات دو گروه اساتید با محاسبه $\chi^2 = 1/43$ و $\alpha = 0/01$ با $df = 4$ نشان می‌دهد که از نظر هر دو گروه تقویت تشکل‌های دانشجویان کارآفرینی در درک فرصت‌های کسب و کار جدید تأثیر زیاد دارد همچنین با محاسبه $\chi^2 = 3/19$ هر دو گروه با نظرات مشابه معتقدند که تشکل‌های دانشجویان کارآفرین به میزان زیادی مشوق ویژگی‌های فردی (استقلال، احساس لیاقت، میل به پیشرفت و ..) است. (هزار جریبی، ۱۳۸۳) می‌گوید یکی از حمایت‌های توسعه کارآفرین شامل نهادسازی، مانند ایجاد شبکه‌ها، اطلاع‌رسانی و توسعه شبکه‌های ارتباطی بین کارآفرینان است.

- در رابطه با سؤال پنجم پژوهش یافته‌ها نشان داد که از نظر اساتید دو گروه نمونه ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در دانشگاه، در ایجاد تسهیلات برای توسعه قابلیت‌های حرفه‌ای و کارآفرینی تأثیر زیاد دارد. اما براساس نظرات دو گروه با محاسبه $\chi^2 = 9/45$ و $\alpha = 0/01$ با $df = 4$ بین نظرات دو گروه نمونه تفاوت وجود ندارد و هر دو گروه معتقدند که برای ایجاد مراکز رشد کارآفرینی در دانشگاه اقدامات کمی صورت گرفته و گاه اقدامی نشده است. بررسی تجربه کشورهایمانند چین و کره جنوبی نشان می‌دهد که پارک‌های علمی و مراکز رشد، در ایجاد واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی و نهایتاً توسعه اقتصادی این کشورها بسیار مؤثر بوده است (کشمیری، مهدی، صدیق، محمد جعفر. ۱۳۸۰)

(شفیعا، ۱۳۷۱) نیز در این مورد اشاره به این دارد که؛ در روند توسعه و رشد اقتصادی، دانشگاه کار حمایت و پرورش دانشجویان را حتماً پس از فارغ‌التحصیلی دنبال می‌کند و فارغ‌التحصیلان را با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی به بازار کار هدایت می‌نماید.

- یافته‌های مربوط به سؤال ششم پژوهش حاکی از آن است که نظرات اساتید دو گروه نمونه یا محاسبه $\chi^2 = 39/8$ و $\alpha = 0/01$ با $df = 4$ نشان داد که آموزش‌های رایج دانشگاهی به میزان کم می‌توانند باعث تقویت انگیزه کارآفرینی و آمادگی برای احراز شغل و حرفه معین شوند و این

کمبود از نظر اساتید (مرد) بیشتر از اساتید (زن) مطرح شده است. همچنین هر دو گروه با نظرات مشابه با توجه به $\chi^2 = 5/84$ معتقدند که میزان تشویق دستاوردهای خلاق دانشجویان به جهت تقویت انگیزه کارآفرینی کم است. دو گروه اظهار داشته‌اند به قدرت ابراز وجود و خود کفایی دانشجویان خیلی کم اهمیت داده می‌شود و با محاسبه $\chi^2 = 33/06$ مشخص شد که اساتید (مرد) این کمبود را بیشتر مطرح کرده‌اند. در این راستا نظرات اساتید هر دو گروه با توجه به محاسبه $\chi^2 = 4/07$ مشابه و هر دو گروه عنوان نموده بودند که شناخت و تقویت انگیزه کارآفرینی در دانشگاه بسیار کم انجام می‌گیرد. در پژوهشی که توسط (منطقی ۱۳۸۴) صورت گرفت نیز عنوان شده که ضرورت برخورد خلاق و انعطاف پذیر با شرایط کاری از ضروریات توانایی تربیت خلاق شاگردان است.

بانگرت^۱ (۲۰۰۳) نیز عنوان نمود که افزایش توانایی افراد در ارزیابی و نقد در افزایش احساس خودکارآمدی و خودکفایی تأثیر مثبت دارد.

- یافته‌های مربوط به سؤال هفت پژوهش نشانگر آن است که از نظر اساتید هر دو گروه با توجه به محاسبه $\chi^2 = 12/22$ تشخیص و تعیین نیازهای کیفی بازار کار (دانش، قابلیت و ...) به میزان کم در دانشگاه صورت می‌گیرد، همچنین هر دو گروه با توجه به محاسبه $\chi^2 = 3/96$ در مورد این که ظرفیت و استعداد کارآفرینی به میزان کمی توسط دانشگاه تعیین و تقویت می‌شود نظرات مشابه داشتند. در عین حال هر دو گروه براساس محاسبه $\chi^2 = 9/84$ نیز عنوان نموده‌اند تناسب و ترکیب دروس دانشگاهی با نیازهای مهارتی بازار کار کم است. کاتن^۲ (۱۹۹۰) نیز چنین عنوان نمود که هدف اولیه از توسعه کارآفرینی شناسایی و تربیت نمودن افراد متکی به نفس و آگاه به فرصت‌ها و بطور کلی افرادی است که تمایل بیشتری به راه اندازی کسب و کارهای مستقل دارند. نقش حیاتی کارآفرینی و قدرت آن در ایجاد تحولات نظامدار اقتصادی در ساختار جامعه، موضوعی است که مورد توجه متخصصان و صاحب نظران به منظور ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات موجود است. براساس تحقیق انجام شده می‌توان گفت از مهم‌ترین راهکارهای توسعه کارآفرینی در میان دانشجویان، توسعه و ارتقای رفتار کارآفرینانه افراد، از طریق ترویج، آموزش، حمایت و شناخت مستعدان کارآفرینی است.

1- Bangert. A.

2- Cotton, J.

با توجه به یافته‌های این تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ۱- تغییر فرهنگ اعضای دانشگاه و ترویج تفکر کارآفرینی با تأکید بر ضرورت آموزش‌های کارآفرینی.
- ۲- ایجاد تغییرات اساسی در دوره‌های تدریس و محتوای آموزشی براساس تفکر کارآفرینی، و ارائه آموزش‌های کارآفرینی و ترویج تفکر و رفتار کارآفرینانه در رابطه با اعضای هیأت علمی.
- ۳- تغییرات محتوا و مفاهیم برنامه‌ریزی آموزشی از حالت کنونی به سمت تقویت آموزش‌های کارآفرینانه و تأکید بر آموزش‌های تخصصی و کاربردی در رشته‌های مختلف.
- ۴- تغییرات اساسی در مفاهیم کار، کالا، بازار و درآمد که دانشگاه را ناگزیر از بازنگری برنامه‌های آموزشی خود نماید.
- ۵- تشخیص و تعیین نیازهای کیفی بازار کار و همسو نمودن آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای اقتصادی و اجتماعی.
- ۶- شناسایی و تشویق استعدادهای کارآفرین در دانشگاه و حمایت از تفکر و طرح‌های خلاقانه اساتید و دانشجویان به جهت افزایش انگیزه کارآفرینی.
- ۷- تشخیص ویژگی‌های کارآفرینان و ایجاد فرصت برای خلاقیت و نوآوری، از جمله فراهم کردن بانک اطلاعات کارآفرینی.
- ۸- ایجاد مراکز رشد کارآفرینی از جمله حمایت‌های مشاوره‌ای و بهره‌گیری از انکوباتورهای تحت نظارت دانشگاه و تقویت تشکل‌های دانشجویان کارآفرین برای افزایش خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای.
- ۹- حمایت و پرورش کارآفرینان از طریق انکوباتورهای وابسته به دانشگاه، معرفی فرصت‌های کارآفرینی و هدایت فارغ‌التحصیلان به بازار کار.

منابع فارسی

- احمد پورداریانی، م. (۱۳۸۴). بستر پرورش کارآفرینی باید فراهم شود. هفته نامه بازار کار.
- ایران نژاد پاریزی، م. (۱۳۷۹). سازمان و مدیریت، از تئوری تا عمل. نشر مؤسسه بانکداری جمهوری اسلامی ایران.

- جهانگیری، ع. (۱۳۸۲). طراحی و تبیین الگوی کارآفرینی در سازمان‌های دولتی. واحد علوم و تحقیقات.
- چاپرا، و. (۲۰۰۵). کارآفرینی و مدیریت. ترجمه: شهناز طباطبایی. همایش کارآفرینی ۱۳۸۴.
- سلطانی بارندوزی، پ. (۱۳۸۰). بررسی چگونگی بقای فرهنگ کارآفرینی در صنایع فلزی. واحد علوم و تحقیقات.
- شریفی، ح. پ. (۱۳۷۲). اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی. تهران: انتشارات رشد.
- شفیعا، م. ع. (۱۳۷۱). کارآفرینی با پیوند دانشگاه و صنعت. اولین کنگره ملی مهندسی صنایع و بهره‌وری.
- کردستانی، ف. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت کارآفرینی و ارائه مدلی برای پروری مدیران. واحد علوم و تحقیقات.
- کشمیری، م. و صدیق، م. ج. (۱۳۸۰). ساختارمند کردن نظام انکوباتوری، ضرورت توسعه انکوباتورها در ایران. www.istt.ir
- مورهد، گ. (۱۳۷۷). رفتار سازمانی. مترجمان: سید مهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده. نشر مروارید.
- منطقی، ا. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر کارآفرینی. نشر پایدار.
- هزار جریبی، ج. (۱۳۸۳). کارآفرینی. پژوهشکده امور اقتصادی.

منابع انگلیسی

- Bangert, A. (2003). Courses offered in entrepreneurship. *Industry and Higher Education* . Vol. 20. No.1.
- Cliatt, K. H: *Effective course design and assessment for entrepreneurship in service training* eAspEc.
- Drucker, P. (1985). *Innovation and entrepreneurship* . Harper collins.
- Kandel, J. (2003). *Entrepreneurship and organization* . NewYork: Kill Bant.
- Kuratko, D. F. (2003). *Entrepreneurship education: Emerging trends and challenges for the 21th century*.
- Levie, j. (1999). *Entrepreneurship: myth and reality*. Science & Public Affairs.

Snell, L. (2003). When principals can be entrepreneur schools improve. *School Reform News: Vol.7, No.11.*